

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ

الرَّحِیْمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی  
گروه زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی  
**(جلوه های فرهنگ و ادب کلاسیک در شعر شفیعی کدکنی)**

استاد راهنما :  
دکتر زهرا پارساپور

استاد مشاور :  
دکتر تقی پور نامداریان

پژوهشگر :  
یوسف عزیزیان

اسفند ماه ۱۳۹۱



پاسداشت

آن مخدّره ی خدر خاص، آن مستوره ی سترِ اخلاص، آن شمع علم و حکمت، یکتای حلم و عصمت، آن  
دُرّ بحر دیانت، سیّده ی اهل متنانت، همدم و همیار نور، خانم دکتر پارسا پور.

آن حامل عقل سرخ، ملجأ اهل پاسخ، گمشده ی لب آب، محرم راز اصحاب، آن نور چراغ مهتاب، در سایه  
سار آفتاب، آن سفرکرده ی در مه، امام اهل جذب، گشاینده ی داستان های رمزی، در علم و دانش کنزی،  
محرم صاحب سرّی، ساکن به خانه ی ابری، شمع اکابر و ابراریان، دکتر تقی پور نامداریان.

و پاسداشت ویژه برای:

آن صدیق معرفت، دریای عشق و حکمت، آن معظم عالم دوستان، یاری از خطّه ی خوزستان، در دریای  
فلسفه معلّق، عبدالعباس جلالی مطلق.

تقدیم به:

آریای کوچک آریایی ام که خلاصه و زبده ی آرزوهایی دور پرواز پدران است.

و همچنین

آن نقطه ی وفا و آن چشمه ی صفا، سنگ صبور و دلبرم، آن یگانه همسرم.

و دیگر

آن دو خداوندگار زندگیم که یادشان جاودانه روشنم می دارد و همی آب شرمم به چهر آورد. آن دو یار همیشه رهبرم، دو قطب عشق و صفا، پدر و مادرم.

## چکیده

در این پژوهش سعی شده است که به بررسی جلوه‌های فرهنگ و ادب کلاسیک در اشعار شفیعی کدکنی و میزان تأثیرپذیری ایشان از این جلوه‌ها، پرداخته شود. همانطور که می‌دانید شفیعی هم از محققان و مصححان و هم از شاعران طراز اول این سرزمین می‌باشد که تا به حال چندین دفتر شعری از ایشان به چاپ رسیده است و این دفاتر شعری به طور مدوّن در دو مجموعه به نام‌های «آینه ای برای صداها» و «هزاره ی دوم آهوی کوهی» گردآوری شده است.

داشتن دو چهره ی شاعر و محقق برای وی نقدهای فراوانی را در پی داشته است که در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود. اما محقق و منتقد بودن خود وی در عرصه ی شعر و شاعری باعث شده است ایشان بتواند در گنجینه ی ذهن خود بسیاری از تعبیرات، اصطلاحات، اشعار، جملات، داستان‌ها، کتابها، آداب و رسوم مختلف، تصویرهای گوناگون شعری و بسیاری از موارد دیگر که مربوط به فرهنگ کهن ماست، را انباشته و در زمان مقتضی و لازم، درست و بجا از آن استفاده کند و از آنها تأثیر پذیرد. البته گاه این تأثیرپذیری آگاهانه است و گاهی ناآگاهانه. اما به هر حال چون این موارد ذکر شده در گذشته و متون کهن ما بکار رفته است، خود گویای تأثیرپذیری از فرهنگ و ادب کهن ما می‌شود. در واقع شفیعی کدکنی بواسطه ی سالها غور و تعمق فراوان در کنج کتابخانه یا کرسی دانشگاه توانسته این تعبیرات و عبارات و تصاویر را در ذهن خود جای دهد و بر اثر مرور زمان این اصطلاحات در ذهن وی رسوب کند و در حافظه ی وی جای گیرد و در هنگام سُرایش هر کدام از اشعارش این تأثیرپذیری نمود پیدا کند و این تأثیرپذیری همان موضوع مورد بحث ما در این پژوهش است. البته باید یادآور شوم این تأثیرپذیری در حوزه ی نقد ادبیات معاصر به نام «بینامتنیت» نامیده می‌شود که در جای خود مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه: شفیعی کدکنی، تأثیرپذیری، فرهنگ و ادبیات کهن، بینامتنیت، ادبیات معاصر

## فهرست مطالب

پیشگفتار ..... ۱-۶

### ۱. فصل اول: کلیات

- ۱-۱. مسأله و موضوع پژوهش ..... ۸
- ۲-۱. قلمرو پژوهش ..... ۸
- ۳-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش ..... ۸
- ۴-۱. اهداف پژوهش ..... ۹
- ۵-۱. نوع پژوهش ..... ۱۰
- ۶-۱. سئوالات پژوهش ..... ۱۰
- ۷-۱. فرضیه های پژوهش ..... ۱۰
- ۸-۱. تعریف واژه های کلیدی و مهم پژوهش ..... ۱۱
- ۹-۱. روش انجام پژوهش و جمع آوری اطلاعات ..... ۱۱
- ۱۰-۱. پیشینه ی موضوع پژوهش ..... ۱۲

### ۲. فصل دوم: مقدمه

- ۱-۲. مسئله ی تأثیرپذیری از دید قدما ..... ۱۴-۱۶
- ۲-۲. تأثیر و تأثر از نگاه بینامتنیت ..... ۱۷-۲۴
- ۳-۲. بررسی شعر نو ایران ..... ۲۵-۲۷
- ۴-۲. زندگی و آثار شفيعی کدکنی ..... ۲۸-۳۱
- ۵-۲. شعر شفيعی کدکنی ..... ۳۲-۳۶
- ۱-۵-۲. زبان ..... ۳۲-۳۳
- ۲-۵-۲. موسیقی ..... ۳۴

.....	۳-۵-۲. محتوا	۳۵
.....	۶-۲. دیدگاه برخی از منتقدین درباره ی شعر شفيعی کدکنی	۳۶-۳۸
<b>۳. فصل سوم: جلوه های تأثیرپذیری از فرهنگ و ادب کلاسیک</b>		
.....	۱-۳. عناصر ادبی و اساطیری	۴۰-۸۸
.....	۲-۳. مکان های واقعی و اساطیری	۸۹-۱۰۲
.....	۳-۳. اصطلاحات و آلات موسیقی و هنری	۱۰۴-۱۱۲
.....	۴-۳. نجوم	۱۱۳-۱۱۵
.....	۵-۳. کتابهای کهن	۱۱۶-۱۱۷
.....	۶-۳. تشابه اوزان و قوافی (استقبال)	۱۱۸-۱۲۸
.....	۷-۳. اشارات و اقتباسات کهن	۱۲۹-۱۳۰
.....	۱-۷-۳. تضمین	۱۳۱-۱۳۶
.....	۲-۷-۳. اقتباس از ترکیبات و عبارات و تعبیرات	۱۳۷-۱۶۸
.....	۳-۷-۳. اقتباس تصویر	۱۶۹-۱۹۱
.....	۴-۷-۳. اقتباسات دیگر	۱۹۲-۲۰۹
.....	۱-۴-۷-۳. پاره تضمین	۱۹۲-۲۰۳
.....	۲-۴-۷-۳. برداشت ها و استنباط ها	۲۰۴-۲۰۹
.....	تحلیل و نتیجه گیری	۲۱۰-۲۱۵
.....	فهرست نمودار و منابع	۲۱۶-۲۲۱



# پیشگفتار

## پیشگفتار

هر مسئله‌ی جدیدی از درون یک مسئله‌ی قدیم و کهنه‌ای بیرون می‌آید. این رابطه می‌تواند باعث بوجود آمدن یک نظریه یا شعر یا سبک و روش بکر و تازه‌ای شود. به عنوان مثال می‌توان از سبک نوی که در ادبیات فارسی ما با عنوان موج نو، شعر نو یا شعر نیمایی به وجود آمده، یاد کرد که بر اثر فقر مضمون و موضوع و محتوای سبک بازگشت بوجود آمد. سبکی که خود بواسطه تقلید و تکرار و به انحطاط رفتن سبک هندی بوجود آمده بود. در واقع سبک بازگشت از دل سبک هندی و سبک نو از دل سبک بازگشت بیرون آمده است.

به گفته‌ی بیرنگ کوهدامنی «رابطه‌ی شعر کهن با نو مانند رابطه‌ی پدر است با فرزند، فرزند نمی‌تواند پدر خویش را نفی کند و هم نمی‌تواند تمام ارزشهای او را بپذیرد که برای پدرش مقدّس است.» (عباسی، ۱۳۸۷: ۱۸۰) در تمام سالهای گذشته و کنون میان سنت گرایان و نوگرایان بحث و جدلی برقرار بوده که سه جریان را به وجود آورده است:

یک جریان افرادی هستند که سنت و باور گذشتگان را بر جریان نوگرایی ترجیح می‌دهند و سنت را همچون یک بت و تابو می‌دانند که اجازه‌ی نشستن هیچ گردِ نقد و نوآوری را بر اطراف آن نمی‌دهند. جریان دوم دقیقاً در مقابل جریان اول قرار دارد؛ یعنی سنتهای گذشته و باورهای کهن را بی‌روح و مرده می‌دانند و اعتقاد دارند که دوره‌ی آن به سر آمده است و باید آن را در پستوهای خانه قرار داد و در نتیجه، نوگرایی را بر سنت گرایان ترجیح می‌دهند.

اما جریان سوم که مصداق «خیر الامور اوسطها» هستند بر این باور اند که بین این دو امر تضاد و تقابلی نیست. اینگونه نمی‌باشد که این دو جریان فکری همچون دو خط موازی در امتداد هم حرکت کنند و هیچگاه به هم نرسند؛ بلکه برای دست یافتن به یک اثر ارزنده و گرانبه باید از یک پشتوانه‌ی والای فرهنگی‌ای که ریشه در ادبیات کهن و کلاسیک دارد، بهره برد.

محمدرضا شفیعی کدکنی از جمله شعرای تاریخ معاصر ماست که توانسته هم در حوزه‌ی نقد و نقّادی و تحقیق و تصحیح متون و هم در حوزه‌ی شعر و شاعری به درستی عمل کند. ایشان بواسطه‌ی تحقیق و تفحص در متون کلاسیک ما توانسته است یک پشتوانه‌ی غنی فرهنگی از ادبیات گذشته‌ی ما در گنجینه‌ی ذهن خود جای دهد و با زبان و بیان زیبای شاعرانه و با ذهن خلاق و مبتکر، خود را در زمره‌ی شاعران طراز اول این مرز و بوم معرفی کند و در واقع توانسته است به درستی جمع اضداد- محقق و ناقد را با شاعر- در وجود خود بپروراند و به بار بنشانند. م. سرشک همانند اخوان، سهراب سپهری و دیگر پیروان نیما، شاعری را با سرایش شعر کلاسیک و سنتی آغاز کرد. ایشان در شروع شاعری تحت تأثیر سبک هندی بوده و مجموعه‌ی زمزمه‌ها را در این حال و هوا سروده و معتقد است که «روحیه‌ی عاریتی و بیمارگونه‌ی سبک هندی حاکم بر بعضی از غزلهای این مجموعه را بهیچ روی نمی‌پسندد.» (مقدمه‌ی آینه‌ای برای صداها، ۱۳۷۶: ۱۰)

شفیعی کدکنی سخت به میراث فرهنگی و ادبی گذشته دلبستگی و تعلق خاطر دارد. این دلبستگی از همان اوان نوجوانی و کسب علم و دانش در او بوجود آمده است. «میرزا محمد گاه و بی‌گاه فرزند را مجبور به حفظ کردن اشعار سیوطی و منظومه‌ی ملاهادی سبزواری می‌کرد؛ چرا که به خوبی می‌دانست این فرزند برای شاعر شدن و اشراف بر فرهنگ و ادبیات کهن می‌بایست این مسیر را طی کند.» (بشر دوست، ۱۳۷۹: ۲۵) از دیدگاه م. سرشک بر هر شخص محقق و شاعر اطلاع از زوایا و خفایای شعر کلاسیک واجب است. خود وی می‌گوید:

این تجربه‌ی شعر کلاسیک برای یک شاعر مدرن به نظر من بد نیست. می‌دانید چرا؟ زیرا اندازه‌ی کلمات را به دست می‌آورد. مثل یک شاگرد بنا که اگر همان اول بخواهد بنایی کند نمی‌داند کجا خشت تمام، کجا نیمه، و پاره

آجر به کار برود. یعنی اندازه دستش نیست. این تمرین در شعر کلاسیک - بدون اینکه بخواهیم بگوییم حتماً آدم شعر کلاسیک باید بگوید - این فضیلت را برای ماها داشت. تصوّر می کنم اخوان و خوبی و اینها این مهارت هایی که دارند نتیجه ی مقداری تمرین و تجربه در شعر کلاسیک است. (گاهنامه، ویژه ی شعر، ش ۱: ۲۴)

این تأثیر را می توان در دو مجموعه ی وی به صورت گذرا و مجمل اینگونه مورد بررسی قرار داد:

روش و سبک بهره گیری از ادبیات کلاسیک از اولین دفتر شعری او به خوبی نمایان است. در مجموعه ی «زمزمه ها» بهره گیری از استقبال اوزان عروضی و قوافی شاعران کهن بالاخص سبک هندی و ترکیباتی که مختص به این سبک می باشد، مشهود است.

در دفتر «شبخوانی» که به گونه ی نام دفتر هم یادآور «مرد سحوری» مثنوی است، اشاراتی به صورت تلمیح وار به شاهنامه ی فردوسی دارد؛ همچون آیینی ی جم، سیمرغ، گرد رویین تن، رستم و همچنین آمدن ابیاتی از فردوسی در سر آغاز اشعار آیینی ی جم (آی: ۱۲۳) و سیمرغ (آی: ۱۱۳).

در دفتر «از زبان برگ» بسامد اشارات به شخصیتها و داستانها بالاتر از دو دفتر دیگر است. این اشاره از همان نامی که برای دفتر انتخاب شده، مشخص است و در ابتدای آن، این دو بیت از مثنوی آمده است:

این درختان اند همچون خاکیان      دست ها بر کرده اند از خاکدان  
با زبان سبز و با دست دراز      از ضمیر خاک می گویند راز

و در متن هم ابیات و مصراع ی از مولانا و سعدی و همچنین اشاراتی به نام های ایرانی همچون مزدک و زرتشت و اشاره ای به سرو کاشمر که کاشته ی دست زرتشت است شده و همچنین اشاره ای به لیلی و مجنون و نام پیامبرانی چون خضر، داود، و آمدن ابیاتی از مولانا در شروع اشعاری مانند «نماز خوف» (آی: ۲۰۱)، «از پشت دیوار» (آی: ۲۲۹)، و تک مصرعی تضمین از سعدی در شعر «برگ از زبان باد» (آی: ۱۹۱)

مجموعه ی بعدی «در کوچه باغهای نشابور» است که شاعر بارها علاقه ی خود را به این شهر تاریخی نشان می دهد و خود می گوید:

این نیشابور در نگاه من فشرده ای است از ایران بزرگ. شهری در میان ابرهای اسطوره ای و نیز در روشنایی تاریخ، با صبحدمی که شهره ی آفاق است. از یک سو لگدکوب سُم اسبان بیگانه، و از سوی دیگر همواره حاضر در بستر تاریخ با ذهن و ضمیری گاه زندقه آمیز و فلسفی، در اندیشه ی خیام و گاه روشن از آفتاب اشراق و عرفان در چهره ی عطار. (ابوعبدالله حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵: ۴۶)

شروع مجموعه با گفتاری از عین القضاة همدانی است. در اولین شعر این مجموعه که دیباچه نام دارد (آی: ۲۳۹) تضمینی از مصرع حافظ آمده است: «حدیث عشق کن بدان زبان که تو دانی.» (آی: ۲۴۱) و همچنین اشاراتی به حملات وحشیانه ی تاتارها و مغول ها و اشاره به نام هایی چون حلاج، عیسی، خیام، ققنوس و اشاراتی به اشعار شاعرانی چون مولوی، رودکی و قانی.

دفتر شعری بعد به نام «مثل درخت در شب باران است» که در آغاز دفتر سخنی از نفری آمده است. در این دفتر تضمیناتی از رودکی (آی: ۳۱۶)، سعدی (آی: ۳۶۶) و سخنانی از ابن عربی و مثنوی آمده است.

مجموعه ی بعد «از بودن و سرودن» است که م. سرشک با آوردن مصرعی از غزلیات شمس روح کلی این دفتر شعری را برای خواننده مشخص می کند. در این دفتر اشاره ای به نام هایی چون ابراهیم و سلیمان و داستانهایی که حول این دو پیامبر است، شده و معراج نامه ای به سبک دانته و ابوالعلاء معری هم سروده است. یکی از اشعار این

<sup>۱</sup> آی: آیینی ای برای صداها و هز: هزاره دوم آهوی کوهی

مجموعه «آواره ی یمگان» (آی: ۳۹۴) است که نشان دهنده ی این مسئله می باشد که شاعر این شعر را در غربت سروده و حس و حالی همچون ناصر خسرو دارد.

«بوی جوی مولیان» آخرین دفتر شعری از مجموعه ی «آینه ای برای صداها» می باشد که نام این دفتر از شعر معروف رودکی می باشد و در ابتدای این مجموعه، سخنی از عین القضات آمده است. در این دفتر هم نام هایی چون حلّاج، حافظ، سهروردی، فضل الله حروفی و چگونگی مرگ او، چنگیز و ایلغارش و ... اسامی شهرهای ایران گذشته چون کاشغر، هری، نساپور آمده، و همچنین به تضمیناتی از حافظ و سعدی و قرآن کریم آراسته شده است. دیگر دفترهای شعری که شامل ۵ دفتر است در مجموعه ای به نام «هزاره ی دوم آهوی کوهی» منتشر شد. نام این کتاب برگرفته از بیت ابوالحفص سعدی که برخی از محققین او را اولین شاعر پارسی گوی می دانند، خود گویای این نکته است که میزان علاقه ی شاعر به سنتها و میراث گذشته از همان شروع کتاب تا پایان مجموعه به چه میزان است. در این مجموعه میزان تأثیرپذیری از ادب و فرهنگ پارسی با بسامدی بالاتر از مجموعه ی اول به چشم می خورد. وجود اسامی شاعرانی مانند: رودکی، شهید بلخی، فردوسی، خیّام، مولوی، حافظ، سعدی، نامهای شخصیت های فرهنگی و فیلسوف همچون ابن راوندی، طیان، حلّاج، اعشى سورآبادی، اشاره به نامهای ایران باستان چون رستم، سیمرغ، سیاوش، افراسیاب، فریدون، زال، آرش، نامهای پیامبران مانند ابراهیم، نوح، خضر، یوسف، موسی، ایوب، اشاره به امکنه ها مانند نیشابور، هری، مرو، فرغانه، فرخار، کرکوی، سمرقند، تلمیح به داستانهای کهن اسلامی و ایرانی چون داستان یوسف، مرغان ابراهیم، آتش موسی، سلیمان و انگشتری، نوح جدید، آرش، سیاوش، مزدک و چگونگی کشتار پیروان او، اشاره به وقایعی که بر سر ایران زمین آمده مانند حمله ی غزها و مغولان و تاتارها و همچنین تضمینات بسیاری از شاعرانی چون سعدی، مولانا، حافظ، ابوالحفص سعدی، انوری، خاقانی، خیّام، ابوسعید ابی الخیر.

یادآوری کوتاه و گذرایی که بر این دو مجموعه شد به خوبی این نکته را نمایان می سازد که م. سرشک به چه میزان از این میراث کهن شعر و ادب فارسی که مرده ریگی از بزرگان این سرزمین می باشد، بهره برده است. حال ممکن است که این تأثیرپذیری ناخودآگاه و غیرمستقیم باشد؛ ولی به هر حال خود نمایانگر این نکته است که شاعر بواسطه ی سالها تحقیق و تفحص و مطالعه در کنج کتابخانه و کرسی دانشگاه توانسته است این میراث گرانقدر و گرانسنگ جواهر گونه را در گنجینه ی ذهن خود جای دهد و در زمان لازم و مقتضی چه خودآگاه و چه ناخودآگاه از آن بهره گیرد و در این پایان نامه هم بنده به دنبال جمع آوری همین نکات و تأثیرپذیری ها بوده ام. در پایان لازم است به برخی نکات شعری م. سرشک که در واقع به نوعی بارزترین ویژگی شعر او و زیربنای نگارش و راهنمای اینجانب برای این پایان نامه است، اشاره ای گذرا کنم :

۱. فرهنگ ایرانی - اسلامی: البته این تأثیرپذیری از قول خود شاعر دارای چارچوب خاصی است :

در این لحظه، برای من، ایران در جانب اسلامی اش و با فرهنگ اسلامی اش، با عین القضات و حلّاج و سهروردی اش، بسیار مقدس تر از ایران هوخشتره است و در آن جانب هم، آن قسمتی را دوست می دارم که در دوره ی اسلامی حیات خود را استمرار داده، مثل سیاوش و رستم. (عباسی، ۱۳۸۷: ۲۳۶)

این ویژگی با آمدن نام اشخاص، سخنان و نظریات آنان در اشعارم، سرشک نمود پیدا می کند.

۲. اساطیر ملی و مذهبی ایران : که با آمدن نامهای اشخاص و مکانها و ذکر داستانهایی در مورد آنان چون درفش کاویان، سرو کاشمر، آتش کرکوی، کمان آرش، زرتشت، جلوه پیدا می کند.

۳. داستان‌ها و اسطوره‌های اسلامی : که شامل زندگی پیامبران و حوادثی که پیرامون آنان اتفاق افتاده به صورت تلمیح وار بیان می‌شود. از جمله: طوفان نوح، خضر، سلیمان و انگشتری، ابراهیم و مرغان و ...

۴. ادبیات گذشته و تأثیرگذاری آن : که این امتیاز ایشان حاصل سالها تحقیق بر روی متون نظم و نثر بزرگانی چون حافظ، سعدی، مولانا، صائب، ابوسعید و ... است که هر کدام برگ زرینی از دفتر این سرزمین را رقم زده‌اند.

فصل ۱

کلیات

### ۱-۱. مسأله و موضوع پژوهش

محمد رضا شفیعی کدکنی یکی از برترین شعرا و منتقدان معاصر این سرزمین است. احاطه ی همه جانبه ی وی بر ادبیات و فرهنگ کلاسیک، که حاصل سالها تلاش وی بر مسند دانشگاه و تفحص در کتابخانه است از یک سو، و ذهن و حافظه و ذوق خلاق، و مبتکر و لطیف او از سوی دیگر باعث شده است که وی در حوزه ی شعر و شاعری همانقدر شهرت یابد که در حوزه ی تحقیقات ادبی یافته و از آنجایی که ایشان در هر دو حوزه فعالیت داشته است به ناچار در هنگام سرایش شعر، تفکرات، ذهنیات و تصویرسازی های شعرا و نویسندگان کلاسیک بر زبان و شعر وی تأثیری خودآگاه یا ناخودآگاه گذاشته است. در این پژوهش سعی بر این گماشته شده که به بررسی میزان و چگونگی این تأثیرپذیری پرداخته شود تا باشد که راهگشای محققان و اندیشمندانی شود که در آینده قصد دارند در این زمینه پژوهش کنند.

### ۱-۲. قلمرو پژوهش

همانطور که از نام این پژوهش برمی آید محقق باید به متون و ادبیات کهن و کلاسیک قبل از شفیعی رجوع کند و از دل این متون موارد تأثیرپذیری را بیابد. البته در این بین از تأثیرپذیری هایی که شفیعی کدکنی از شاعران معاصر خود داشته است مواردی ذکر شده است؛ اما در حالت کلی قلمرو پژوهش را این گونه می توان معرفی کرد:

الف) قلمرو مکانی: ایران

ب) قلمرو زمانی: قرن چهارم تا چهاردهم

ج) قلمرو موضوع: شعر فارسی دری

### ۱-۳. اهمیت و ضرورت پژوهش

دکتر شفیعی کدکنی یکی از بهترین شعرا و منتقدین معاصر این مرز و بوم می باشد که توانسته است با هوش و ذکاوت و تبخر و ذهن نقاد خود در هر دو زمینه دست به خلق آثاری بزنند که بر بلندای قله ی ادبیات فارسی قرار بگیرند و خود را در کنار و هم ردیف بزرگان فرهنگ ادبیات فارسی معاصر این کشور قرار دهد.

استاد گرانقدر و گرانسنگ جناب دکتر شفیعی کدکنی در قلمرو زبان و ادبیات فارسی معاصر این سرزمین، دارای دو وجهه است: یکی محققانه و دیگری شاعرانه.

به اذعان بسیاری از منتقدین شعری از جمله دکتر تقی پورنامداریان، محمود کیانوش، عبدالحسین زرین کوب و... جمع بین محقق و شاعر جمع اضداد است و این دو صنعت را به سختی می توان در کنار یکدیگر قرار داد و کسانی که در این دو حیطه به فعالیت می پردازند از سوی برخی منتقدان متهم به سرقت ادبی، شاعر آگاه، ادیب شاعر بودن و ... می شوند که البته م. سرشک هم بری از این نقدها نمی باشد؛ اما به گفته ی بسیاری از منتقدین معاصر شفیعی کدکنی توانسته خود را از این اتهامات دور سازد و توانسته است از گنجینه ی ذهن خود که مملو از فرهنگ و ادب کلاسیک ماست و به نوعی در ذهن وی رسوب کرده است در جهت شعر و شاعری به درستی بهره گیرد و خود را از زیر سایه ی بزرگان ادبیات کهن بیرون بکشد و در راه مستقلی که نشانه های فراوانی از تأثیرات ادب کهن ما دارد، قرار دهد.

همانطور که در ابتدا بیان شد شفیعی کدکنی در دو حیطه تحقیق و شعر به فعالیت می پردازد. در مورد جنبه ی محققانه ی وی که به تصحیح متون و نظریات و اعتقادات پیرامون ادبیات کهن و معاصر می پردازد، کارهای فراوانی صورت گرفته است. اهمیت این پژوهش در اینست که میزان تأثیرپذیری وجهه پژوهشگری شفیعی کدکنی را بر وجهه ی شاعری او نشان دهیم.

#### ۴-۱. اهداف پژوهش

محقق در این پژوهش به دنبال این هدف است که با توجه به فعالیت شفیعی کدکنی هم در حوزه نقد و تصحیح متون کهن و معاصر و هم در حیطه ی شاعری، میزان تأثیرپذیری وی از متون کهن و کلاسیک را بر اشعارش بسنجد و نشان دهد که این تأثیرپذیری تا چه اندازه خودآگاه و تا چه اندازه ناخودآگاه است و همچنین میزان این تأثیرپذیری بیشتر در کدام بخش و حوزه ی شعر وی نمود پیدا کرده است. به طور مثال آیا این تأثیرپذیری در ساخت و فرم بیشتر بوده است یا در مضمون و محتوا.

هدف دیگری که پژوهشگر به دنبال آنست، این است که م. سرشک از کدام شاعر کلاسیک و پیش از خود، به طور کلی در همه ی حیطه ها بیشتر تأثیر گرفته است و یا اینکه از کدام دوره یا سبک شعری بیشتر متأثر بوده است. هدف غائی این تحقیق اینست که چهره ی این شاعر و منتقد عصر حاضر را که به گفته ی بسیاری از منتقدان، یگانه ی روزگار و امید آینده در عرصه ی فرهنگ و ادبیات فارسی است، به دستداران زبان و ادبیات فارسی بشناساند و زوایا و خفایایی هرچند ناچیز، از شعر وی را برای علاقه مندان او روشن سازد.



## ۵-۱. نوع پژوهش

نوع پژوهش از نوع تحقیقات بنیادی است.

## ۶-۱. سئوالات پژوهش

این پژوهش درصدد است که به سئوالات زیر پاسخ بگوید:

۱. تأثیرپذیری شفיעی کدکنی بیشتر مربوط به کدام دوره ی ادبیات فارسی است؟
۲. شفיעی کدکنی بیشتر متأثر از کدام حوزه ی ادبیات کلاسیک بوده است؟
۳. در طول زمان تأثیرپذیری از فرهنگ و ادب کلاسیک بر آثار شفיעی کدکنی افزایش می یابد یا خیر؟
۴. میزان تأثیرپذیری شفיעی کدکنی از ادبیات کلاسیک تا چه اندازه است؟
۵. بیشترین تأثیر شفיעی کدکنی از کدام جلوه های ادبیات فارسی است؟
۶. فرهنگ و ادب کلاسیک تا چه میزان بر مضمون و محتوا شعر م. سرشک تأثیر گذاشته است؟
۷. م. سرشک در حوزه های مختلف بیشتر از کدام شاعر کلاسیک ما تأثیر گرفته است؟
۸. شفיעی کدکنی تا چه اندازه توانسته است از زیر سایه ی تقلید از شاعران بیرون بیاید؟

## ۷-۱. فرضیه های پژوهش

می توان فرضیه های این پژوهش را چنین برشمرد:

۱. این گونه به نظر می رسد که تأثیرپذیری م. سرشک بیشتر مربوط به دوره ی اولیه و از نظر سبکی، سبک خراسانی است.
۲. با توجه به تحقیقات و تصحیحات شفיעی کدکنی که بیشتر حول ادبیات عرفانی بوده اینطور به نظر می رسد که تحت تأثیر ادبیات عرفانی قرار گرفته است.
۳. اینطور به نظر می رسد که تأثیرپذیری از ادب و فرهنگ کلاسیک در مجموعه های شعری اولیه شان بیشتر بوده است.
۴. با توجه به تحقیق و تفحص شفיעی کدکنی در حوزه ی ادبیات کهن ما به نظر می رسد این تأثیرپذیری با بسامد بالایی باشد.

۵. اینگونه به نظر می آید که میزان تأثیرپذیری از ترکیبات و تعبیرات کهن بیشتر از جلوه ی تصویری و معنایی در شعر شفيعی کدکنی باشد.
۶. اینطور استنباط می شود که با توجه به فعالیت م. سرشک در حوزه ی ادبیات کلاسیک میزان تأثیر فرهنگ و ادب کلاسیک بر محتوای اشعار م. سرشک بسیار باشد.
۷. به نظر می آید با توجه به این که بیشتر تحقیقات شفيعی کدکنی حول ادبیات عرفانی بوده، میزان تأثیرپذیری از شاعران این حوزه همچون مولانا و حافظ بیشتر باشد.
۸. با توجه به ذهن خلاق و پویای م. سرشک و همچنین ماندگاری و استقبال منتقدین بزرگ از شعر وی به نظر می رسد که شفيعی کدکنی توانسته است از زیر سایه ی تقلید شاعران این حوزه بیرون آید.

#### ۸-۱. تعریف واژه های کلیدی و مهم پژوهش

بینامتنیت: هر متنی بر اساس متونی که پیشتر خوانده ایم معنا می دهد و قائم به نشانه هایی است که از قبل مطالعه کرده ایم.

تأثیرپذیری: منظور تأثیرپذیری در حیطه ی استقبالات، اقتباسات (تصاویر، تضمین و...) دوره کلاسیک: منظور بازه زمانی قرن چهارم تا سیزدهم است.

#### ۹-۱. روش انجام پژوهش و جمع آوری اطلاعات

این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی انجام خواهد شد، چراکه در ابتدا باید به توصیف اشعار پرداخت و سپس به نقد و تحلیل و چگونگی تأثیرپذیری از فرهنگ و ادب کلاسیک. در روش انجام پژوهش ما ابتدا اشعاری از م. سرشک را که به نوعی جلوه ای از ادبیات کلاسیک دارد و یا به نوعی از یکی از شعرای کهن یا قبل از خود متأثر شده، از دو مجموعه ی شعری وی به نام «آینه ای برای صداها» و «هزاره دوم آهوی کوهی» استخراج کردیم و سپس به بررسی چگونگی این تأثیرپذیری و دسته بندی آنها پرداخته ایم. در این پژوهش سعی بر این است که میزان این تأثیرپذیری مشخص شود نه این که اصرار شود شفيعی حتماً از فلان شاعر تأثیر گرفته است. به عنوان مثال شاید بیت یا مصرعی از م. سرشک باشد که متأثر از چندین شاعر کهن باشد. در اینجا سعی ما بر اینست که آن شاعری که کهن تر است مبنای کار قرار گیرد. حال شاید شفيعی کدکنی آن عبارت یا مضمون را از شخص دیگری به وام گرفته باشد.

در پایان تحقیق هم داده های بدست آمده در هر بخش بر روی نمودار نشان داده شده و تحلیلی از آن ارائه شده است. در مورد جلوه های فرهنگ و ادب کهن بعد از مشورت با استاد راهنما و مشاور، سعی بر آن شده هر موردی که به نوعی نشان دهنده ی جلوه ای از ادبیات کهن ما می باشد و م.سرشک از آن متأثر شده است، آورده شود؛ مانند: اسامی شخصیت های فرهنگی، ادبی، هنری و مذهبی یا اسامی اماکن کهن، کتب و ... .

#### ۱-۱۰. پیشینه ی موضوع پژوهش

در مورد پیشینه ی تحقیق هم می توان گفت بعد از مشورت با دکتر پورنامداریان و شخص دکتر شفیعی کدکنی این اطلاع حاصل شد که تاکنون هیچ کتاب یا پایان نامه ای در مورد تأثیرپذیری ها نوشته نشده است و اگر هم مطلبی نگاشته شده بیشتر ناظر به زبان شعری م.سرشک است تا تأثیرپذیری از فرهنگ و ادب کهن. به عنوان نمونه کتاب «زندگی و شعر شفیعی کدکنی» از مجتبی بشردوست و یا «سفرنامه ی باران» که مجموعه مقالاتی است در مورد شفیعی کدکنی که حبیب الله عباسی آن را گردآوری کرده است. این مقالات هم بیشتر به زبان و موسیقی شعر شفیعی پرداخته است. تنها مقاله ای از دکتر تقی پورنامداریان در این کتاب وجود دارد که تا حدودی به موضوع بحث ما مرتبط است. و سعی بر این شده است که حتی الامکان از این مقاله به نحو احسن استفاده شود. در این مقاله دکتر پورنامداریان به صورت اجمالی و مختصر به بررسی جلوه های ادبیات کهن در شعر شفیعی کدکنی پرداخته است.

## فصل ٢

# مقدمه